



## آفتگی جریان اصولگرا



محمد مهاجری  
تحلیل‌گر سیاسی  
و روزنامه‌نگار

انتخابات ریاست جمهوری یک پروسه ۶ ماهه تا یک‌ساله است که به یک پروسه یک‌ماهه تبدیل شده است. بنابراین طبیعی است تمام افراد و گروه‌هایی که تصمیم دارند وارد این انتخابات شوند، دچار یک دستپاچگی، عجله و شتاب می‌شوند. در این میان افرادی که دارای تجربه و سابقه کار حزبی، سیاسی و انتخاباتی هستند، به لحاظ متشکل کردن تشکیلات انتخاباتی و تدوین برنامه‌هایشان موفق‌تر عمل می‌کنند؛ البته با توجه به فضای ایجاد شده و در مدت کوتاه پیش‌رو این امکان متصور نیست که کاندیداهای ریاست جمهوری یک مانیفست قوی و برنامه کلان و آینده‌نگر تهیه کنند. در انتخاباتی که با سرعت و عجله برگزار می‌شود، اتفاقات هم سریع پیش می‌رود و سرعت این اتفاقات گاهی مسبب رقم خوردن سرنوشتی می‌شود که شاید مورد توقع و انتظار نیست. بنابراین گمان می‌کنم نتیجه این انتخابات قابل پیش‌بینی نیست. البته منظور این نیست که در دوره‌های قبل همه چیز قابل پیش‌بینی بوده اما این بار نتیجه انتخابات مبهم است و با جناح‌های مختلف که گفت‌وگو کرد، هیچ کسی نمی‌تواند تحلیل دقیق و جامعی ارائه دهد. به‌عنوان یک اصولگرا می‌گویم؛ دلیل حضور بیش از حد کاندیداها این است که جریان اصولگرایی فروپاشیده است. اینکه تصور کنیم این افراد جلسه‌ای برگزار کرده و تصمیم گرفته‌اند که به صورت فله‌ای ثبت‌نام کنند، اشتباه است. ثبت‌نام بیش از حد انتظار نشان‌دهنده آشفته‌گی است که به آن اشاره کردم. ثبت‌نام نماینده مجلس که چند ماه پیش در انتخابات ۱۰ هزار رای نیاورده اما کاندیدای ریاست جمهوری شده است، مبتذل و خنده‌دار نیست بلکه تازدی است و حاکی از آن است که اصولگرایان نمی‌دانند با آینده خود چه کار کرده و در تاریخ چه جبهه‌ای از خود ثبت می‌کنند. چندی پیش خبری منتشر شد که آقای محسن رضایی به دنبال ائتلاف است، بخشی از آن خبر تکذیب شد. اما موضوع این است که آقای محسن رضایی می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند؟ من به شدت تردید دارم. متأسفانه امروز جریان اصولگرایی رهاست و کسی در این جریان به حرف کسی گوش نمی‌دهد. بنابراین انتظار ائتلاف دور از ذهن است. در این میان جریان‌هایی هستند که انتخابات را مهندسی می‌کنند البته نه فقط این انتخابات بلکه انتخابات مجالس ۱۳۹۸ و ۱۴۰۲ و انتخابات ۱۴۰۰ را مهندسی کردند و حتی دنبال این بودند که انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ را هم مهندسی کنند اما زورشان نرسید. با این وجود، در این روزها مهندسان انتخابات سخت مشغول کارند.

از سوی دیگر چند نفر از دولت آقای رئیسی که دست بر فضا ضعیف‌ترین و ناتوان‌ترین هستند و در جریان اصولگرایی جایگاهی ندارند و کسی آنها را تحویل هم نمی‌گیرد، برای ثبت‌نام اقدام کردند و نمی‌دانند که با این اقدام آنها دولت وارد انتخابات می‌شود. در حقیقت افغان سیاسی باید این موضوعات را مطالبه کنند، چراکه با این حجم ورود وزرا و معاونان آقای رئیسی به انتخابات، شائبه عدم سلامت انتخابات مطرح می‌شود. چه تضمینی وجود دارد و چرا باید وزیر فرهنگ و ارشاد یا وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی که هزاران میلیارد بودجه در اختیار دارد و نظارت زیادی هم روی آن نیست، این رفتار شائبه‌برانگیز را از خود نشان دهند؟ معنای این ثبت‌نام‌ها این است که دولت موقت فعلی با جنگ و دندان به دنبال حفظ قدرت است. ورود اصولگرایان، وزرا و دولتی‌ها به انتخابات ریاست جمهوری نیز حاکی از آشفته‌گی است.

برای پیشگیری از حضور فله‌ای در انتخابات ریاست جمهوری، اگر از اصلاح طلبان بپرسیم، می‌گویند: «باید سازوکار تشکیل احزاب را تقویت کنیم.» ۴۵ سال است که این حرف را می‌زنند اما من معتقدم لااقل تا ۵۰ سال آینده، احزاب در کشور ما به معنای آنچه در تعریف کلاسیک وجود دارد و نمونه‌های آن در اروپا شکل گرفته و به درستی فعالیت می‌کنند، اتفاق نمی‌افتد. لازم به پیشگیری از بعضی تالی فاسدها، افزایش نظارت مردمی است و مطالباتی که نخبگان جامعه می‌توانند در حوزه گسترش مشارکت مردم و برگزاری انتخابات سالم مطرح کنند. مطرح شدن این دو موضوع در فضای سیاسی و رسانه‌ای می‌تواند مهندسان انتخابات را تا حدی کنترل کند.

ردیف	نام و نام خانوادگی	گرایش سیاسی
۱	قدرتعلی حشمتیان	اعتدال
۲	عباس مقتدایی	اصولگرا
۳	مصطفی کواکبیان	اصلاح طلب
۴	محمد رضا صباغیان	مستقل
۵	سعید جلیلی	اصولگرا
۶	علی لاریجانی	اعتدال
۷	محمود احمدی بیغش	بهری
۸	محمد خوش‌چهره	اصولگرا
۹	عبدالنصر همتی	اصلاح طلب
۱۰	سیداحمد رسولی نژاد	اصولگرا
۱۱	مسعود پزشکیان	اصلاح طلب
۱۲	وحید حقیقیان	مستقل
۱۳	حبیب‌الله دهمرده	اصولگرا
۱۴	علیرضا زاکانی	اصولگرا
۱۵	محمد رضا میرتاج‌الدینی	اصولگرا
۱۶	زهرا الهیان	اصولگرا
۱۷	فدا حسین مالکی	اصولگرا
۱۸	محمد مهدی اسماعیلی	اصولگرا
۱۹	مسعود زریبافان	اصولگرا
۲۰	امیرسرریتب افشارزاده	مستقل
۲۱	حسینعلی قاسمزاده	مستقل
۲۲	محمود احمدی نژاد	بهری
۲۳	محمود صادقی	اصلاح طلب
۲۴	صادق خلیلیان	اصولگرا
۲۵	سید محمد مقیمی	اصولگرا
۲۶	ایرج سفلی شاهوردی	مستقل
۲۷	حسن محمدیاری	مستقل
۲۸	سیدمجتبی محفوظی	اصولگرا
۲۹	شهریار حیدری	اصلاح طلب
۳۰	علی صوفی	اصلاح طلب
۳۱	محمد رضا پورابراهیمی	اصولگرا
۳۲	حسین میرزایی	اصولگرا
۳۳	محمد حسن قدیری ابیانه	اصولگرا
۳۴	غلامحسین رضوانی	اصولگرا
۳۵	محمد شریعتمداری	اصلاح طلب
۳۶	سیدغنی نظری	مستقل
۳۷	جلیل جعفری	مستقل
۳۸	حسن سبحانی	مستقل
۳۹	الیاس نادران	اصولگرا
۴۰	حسن کامران	اصولگرا
۴۱	احمد اکبری	اصولگرا
۴۲	سیده حمیده زریآبادی	اصلاح طلب
۴۳	قاسم جاسمی	اصولگرا
۴۴	محمد ناظمی اردکانی	اصولگرا
۴۵	علیرضا ورناصری	اصولگرا
۴۶	حمید کریمی	مستقل
۴۷	علی آذری	مستقل
۴۸	محمد رضا اسکندری	اصولگرا
۴۹	وحید جلال زاده	اصولگرا
۵۰	اردشیر مطهری	اصولگرا
۵۱	اسحاق جهانگیری	اصلاح طلب
۵۲	محمد وحدتی	مستقل
۵۳	حسن نوروزی	اصولگرا
۵۴	محمد رویانیان	اصولگرا
۵۵	حسین گروسی	اعتدال
۵۶	مهدی شیخ	اصلاح طلب
۵۷	محمد علی وکیلی	اصلاح طلب
۵۸	محسن کوهکن	اصولگرا
۵۹	علیرضا افشار	اصولگرا
۶۰	محمد مهدی زاهدی	اصولگرا
۶۱	محمد حسن نامی	اصولگرا
۶۲	اصغر سلیمی	مستقل
۶۳	مصطفی پورمحمدی	اصولگرا
۶۴	سید شمس‌الدین حسینی	اصولگرا
۶۵	ضریغام صادقی	اصولگرا
۶۶	هاجر چناران	اصولگرا
۶۷	محمد باقر قالیباف	اصولگرا
۶۸	عبدالرحیم بهاروند	مستقل
۶۹	اکبر نیکزاد	اصولگرا
۷۰	سید احمد موسوی	مستقل
۷۱	سید علی وقف‌چی	مستقل
۷۲	ابراهیم عزیزی	اصولگرا
۷۳	عباس آخوندی	اصلاح طلب
۷۴	داوود منظور	اصولگرا
۷۵	سید علی حسینی نیشابوری	اصولگرا
۷۶	امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی	اصولگرا
۷۷	مهرداد بدیاری	اصولگرا
۷۸	سیدصورت مرتضوی	اصولگرا
۷۹	علی نیکزاد	اصولگرا
۸۰	رفعت بیات	اصولگرا

ترتیب داوطلبان براساس زمان ثبت‌نام است.

## انتقاد به آنهایی که ثبت‌نام کرده‌اند و تعدد کاندیداها به ویژه در جریان اصولگرایی زیاد است. نظرتان در این زمینه چیست؟

**حشمت‌الله فلاحت‌پیشه:** این افراد واقعا اصولگرا نیستند من تحت عنوان سیاستمداران تازه‌به‌دوران رسیده می‌گویم که تعدد حضور آنها به دلیل نوع نگاه‌شان به انتخابات است. انتخابات ایران را یک امر خلق‌الساعه می‌دانند که به انحصار جریان حاکم درآمده است. آنها در انتخابات رقیبی نمی‌بینند و خیال‌شان راحت است که کارنامه‌ای از آنها خواسته نمی‌شود. متأسفانه جریان‌هایی که افتخارات آنها انتخابات ۸۰ درصدی دوره دوم تهران است، بلندترین صدای برای انتخابات ریاست جمهوری دارند. این افراد انتخابات را از معنای اصلی دور کردند و نیازی به ارائه برنامه نمی‌بینند و به شدت به فضای تخریب و خلاف واقع روی می‌آورند و چون از نوعی انحصار رسانه‌ای برخوردارند مطمئن هستند که از دل آنها کسانی به قدرت می‌رسند. جریان حاکم بر دولت و مجلس کنونی بیش از آنکه دنبال رقابت باشند، جهه‌بندی را شکل دادند؛ افرادی مسئول تخریب کاندیدای قبیله‌اند. افراد دیگر به دنبال راضی کردن جریان پشت صحنه هستند و افرادی نیز به صورت حرفه‌ای ستادهای انتخاباتی شکل می‌دهند. در نهایت سعی می‌کنند پایه رای حداقلی را حفظ کرده و در یک انتخابات حداقلی دوباره به قدرت برسند.



روشن دارند و به صورت واقع‌بینانه و روی زمین پیشنهاد داشته باشند و برنامه‌های خودشان را در برابر نقد و نظر جامعه قرار دهند و در مناظره‌های انتخاباتی هم بتوانند سخنی بالاتر برای اثبات خودشان داشته باشند؛ این موضوع را می‌توان به رونق انتخابات ربط داد اما این شیوه ثبت‌نام ۸۰ نفری، بیشتر به شوخی شبیه است.

**حسن رسولی:** یکی از ایرادات اساسی نظام انتخاباتی در کشور ما غیرعلمی بودن انتخابات است که در این نظام فردمحور، عملاً امکان هماهنگی و سازماندهی تشکیلاتی از احزاب و گروه‌های سیاسی گرفته می‌شود. چراکه این رویداد، یک رویداد غیرمترقبه بوده است. این خلأ بیش از ادوار گذشته خود را در هجوم ثبت‌نام کنندگان به ستاد انتخابات کشور نشان داده است. در ادوار گذشته، چیزی که از ماه‌ها قبل و بعضاً از سال‌ها قبل، افراد و جریان‌ها خود را آماده می‌کردند، کمتر شاهد این آشفته‌گی بودیم. همانطور که عرض کردم به دلیل غیرمترقبه بودن این اتفاق ناگوار و مواجه شدن با انتخابات زودهنگام، این خلأ حضور احزاب و این تکثر، بعد می‌دانم در هیچ کشور و نظامی، شاهد این حد از بلاکنلیف و عدم قطعیت باشیم.



## چه راهکاری برای جلوگیری از آن پیشنهاد می‌دهید؟ آیا به نظرتان ضرورت تغییر در سازوکار انتخابات برای جلوگیری از این حضورهای فله‌ای وجود دارد؟

داشته باشید، در سال ۱۴۰۰، چند نفر از شخصیت‌های سیاسی اصولگرا ثبت‌نام کردند، اما چون فرصت قبلی نبود و حداقل سازمان‌دهی انجام گرفته بود، خودشان اعلام می‌کردند که کاندیدای پوششی هستند. جالب است که تا همین الان که هنوز رقابت‌های رسمی شروع نشده، تولید محتوایی که در فضای مجازی این افراد اصولگرا صورت می‌گیرد، جو پوششی بودن نسبت به کاندیدای اصلی و یکدیگر، به نظر می‌رسد که بیشتر رفتارهای شورش دارند تا جریان پوششی. فکر می‌کنم اگر اتاق فکری این صحنه‌ها را به درستی ثبت و ضبط کند و آسیب‌شناسی کند، درازمدت نکات خوبی برای بهینه‌سازی نظام حکمرانی و انتخاباتی کشور به دست خواهد آمد.

**حشمت‌الله فلاحت‌پیشه:** فقط حزب می‌تواند از حضور فله‌ای افراد پیشگیری کند. معمولاً حزب با دموکراسی هم‌راز است اما در ایران این هم‌زادی شکل نگرفت چون کسانی که با کلی‌گویی، شعار و عدم برنامه در عرصه انتخابات باقی می‌مانند حزب را ساختار مزاحم می‌دانند. فقط زمانی در ایران می‌توان از یک انتخابات قابل دفاع صحبت کرد که نظام حزبی وجود داشته باشد که کاندیداها در درون احزاب پرورش پیدا کرده و احزاب مسئولیت عملکرد آنها را بر عهده بگیرند. شاهدیم که پس از روی کار آمدن برخی در مجلس و دولت به کشور آسیب می‌رسد و فقط اسم آن جریان تغییر می‌کند اما کاندیداها همان افرادند اما در یک نظام حزبی، احزاب نمی‌توانند اسم خود را تغییر دهند.



صنعی باید باشند و در کنار این چهره شاخصی که در یک برند دارند؛ باید مثلاً بتواند صد هزار امضا از طبقات مختلف برای خودش تدارک ببیند؛ این چیزی بوده که در گذشته درباره آن حرف زده شده و شاید بتوان روی این موضوع به عنوان روش برون‌رفت، مبنای کار قرار داد و روی آن مطالعه کرد.

**حسن رسولی:** از نظر من راهکار مؤثر، حُسن استفاده از تجارب بشری و اندوخته‌های دانش حکمرانی سایر کشورها است. اگر دو تا سه حزب فراگیر در کشور وجود داشته باشد و قوانین انتخاباتی در این مسیر مورد تغییر و بازنگری قرار بگیرد، کمتر شاهد این حرکات غیرقابل پیش‌بینی هستیم. اگر کشور مانع همچون سایر کشورها دو حزب داشته باشد، برنامه‌ها و راهبردهای آنها نسبت به اداره امور کشور از پیش اعلام شده و احاد ملت نیز در جریان قرار می‌گیرند. دو حزب رقیب و هر کدام که در قدرت هستند، مسئول و پاسخگو هستند و دیگری که دولت در سایه تشکیل می‌دهد، به‌طور طبیعی حزبی که دولت را در دست دارد تقدیم می‌کند و عملاً در گردونه این رقابت و پاسخگویی، به نظر من، هم سطح فرهنگ سیاسی انتخاباتی ارتقاء پیدا می‌کند و هم سطح ارتقاء عملکرد نظام حکمرانی و نهادهای انتخابی افزایش خواهد یافت. اما متأسفانه کمتر از این تجربه‌ها استفاده می‌شود، شما در هیچ کجا از قوانین انتخاباتی امروز ریاست جمهوری نقش و جایگاهی از احزاب و سازمان‌های سیاسی نمی‌بینید. بنابراین شاهد این به‌هم‌ریختگی هستیم. اگر به یاد



**محمد عطریانفر:** تعدد از یک جهت مورد تأیید است و می‌تواند ارزشمند باشد ولی این موضوع برای انتخابات محلی و محدود دارای ارزش است اما برای انتخابات ریاست جمهوری یک بار منفی خواهد داشت. بار منفی هم به این جهت است که آقایان و خانم‌هایی که اراده می‌کنند نامزد انتخابات ریاست جمهوری شوند اما تجربه عملکردی قابل قبولی در سابقه خود ندارند؛ چطور می‌توان پذیرفت بدون تجربه پیشین بیابند و در یک مأموریت کلان و ملی به‌عنوان ریاست جمهوری، خودشان را در معرض انتخاب قرار دهند. ظاهر این افرادی که فاقد هر نوع صلاحیت اولیه هستند و تجربه موفقی در اداره کشور ندارند و اساساً چهره‌ای نیستند که جامعه از آنها شناخت از نزدیک داشته باشد؛ اینها با حضور خود رقابت‌های انتخاباتی را در این سطح به صورت طنزگونه تصور می‌کنند؛ باور این است که می‌خواهند خودشان را عرضه کنند. طبعاً در این شرایط برای انتخابات ریاست جمهوری، این حجم از ثبت‌نام، یک امر غیرقابل قبول و مردود است که می‌خواهند انتخابات را رونق دهند. بیشترین رونق برای انتخابات ریاست جمهوری میان چهره‌های شاخصی است که تجربه موفقی ملی و برنامه



اصلاح وجود دارد. دو راهکار در این زمینه به ذهن من می‌آید. یک راهکار متکی بر ظرفیت‌های قانونی موجود است. به این معنا که وقتی ما صحبت می‌کنیم که طرف باید از رجال سیاسی ایران، مدیر و مدیر باشد؛ برای معنابخشی به این عناوین می‌توان به صورت ریزتر و تجربه‌شده‌تر، راهکارهایی را تعبیه کرد که شورای محترم نخبگان متأسفانه این کار را نکرده است و به صرف اینکه فرد یک عنوان مدیریتی داشته باشد، این را مبنای قرار می‌دهد که همین موضوع هم دارای ایراد است. من باورم این است که بالای ۹۰ درصد از نماینده‌های مجلس که فرصت رقابت در انتخابات ریاست جمهوری پیدا می‌کنند؛ چون در مجلس برپایه انتخاب محلی بالا می‌آیند و در مجلس هم بیشتر دنبال تأمین منافع محلی هستند، اینها نمی‌توانند تصویری از شخصیت ملی داشته باشند ولی متأسفانه چون قانون دست خود مجلس است، برای خودشان اینطور تدارک دیده‌اند. یا مثلاً چهره‌هایی که تجربه عملیاتی موفقی ندارند، اجازه حضور پیدا می‌کنند اما فرض کنید در سطح معاونین وزرا که حیطه فعالیت‌شان ملی بوده، اجازه حضور ندارند و یا مثلاً روحانیونی که با معادل‌سازی مدرک وارد این عرصه می‌شوند. این موارد قابل آسیب‌شناسی است و می‌توان درباره آن راهکار دارد. راهکار دوم؛ آن چیزی است که در دنیا تجربه نسبتاً قابل قبولی دارد. اینکه چهره‌هایی که قصد دارند کاندیدا شوند، برگزیدگان نهادهای مدنی و اتحادیه



## با توجه به ورود ناگهانی در انتخابات و وضعیتی که در مرحله ثبت‌نام در انتخابات شاهد هستیم، تحلیل‌تان از این انتخابات و روند آن و تأثیرش بر فضای سیاسی چیست؟

**حشمت‌الله فلاحت‌پیشه:** در همین شرایط اگر نگاه حداکثری در تأیید صلاحیت‌ها حاکم شود امکان حضور ۴۰ تا ۵۰ درصد مردم در انتخابات وجود دارد و امیدوارم این شرایط شکل بگیرد. اما معتقدم جریان‌هایی که انتخابات را مهندسی می‌کنند کم‌کم فعالند و این جریان‌ها انتخابات آزاد را در راستای منافع خود نمی‌بینند. مشخص نیست که در یک انتخابات محدود چه اتفاقی در عرصه سیاسی شکل می‌گیرد. بنابراین معتقدم کشور نیازمند تغییر در عرصه سیاست خارجی و مدیریت اقتصادی و حتی نوع رفتارهای اجتماعی و فرهنگی است چراکه در این عرصه‌ها کارنامه قابل قبولی وجود ندارد و رفتارها حتی کشور را دچار نوعی تقابل کرده است. مانند مشکلات بر سر حجاب. در یک انتخابات بی‌رقم امکان تغییر در حداقل است. امیدوارم یک انتخابات آزاد شکل بگیرد و همه جریان‌ها صاحب کاندیدا باشند و امکان برگزاری انتخابات برنامه‌ای به وجود آید. هر چند که در این باره خوش‌بین نیستیم چون حتی شورای نخبگان هم از نهادهایی است که همواره در زوال مشارکت نقش داشته و براساس هیچ‌گونه اصول ثابتی عمل نمی‌کند.



آرایش انتخاباتی را می‌توان از آن ترسیم کرد. باید صبر کنیم و ببینیم در ۱۵ روزی که شورای نخبگان صلاحیت‌ها را بررسی می‌کند، خروجی‌هایی که از شورای نخبگان و سید انتخاباتی به دست می‌آید از نظر کمی و کیفی چه پیامی را به جامعه و سیاسیون ارائه می‌دهد. طبعاً به هر میزان که تعداد داوطلبین تأیید شده بیشتر باشد شاهد رقابت جدی‌تر و پویایی انتخاباتی خواهیم بود و اگر عکس این اتفاق بیفتد، انتظار پویایی فضای انتخاباتی را نخواهیم داشت. با توجه به اینکه نمی‌دانیم رویکرد شورای نخبگان در تأیید صلاحیت‌ها چیست، باید صبر کنیم. آنچه که مشخص است، این انتخابات به لحاظ کیفی با هیچ‌یک از انتخابات ادوار گذشته قابل مقایسه نیست. هر چند که به لحاظ شکلی پس از شهریور ۱۳۶۰ و ترور رئیس‌جمهور شهید ما چنین انتخابات زودرسی را داشتیم اما در بحبوحه اول انتخابات، یک انتخابات امنیتی بود تا رقابتی و از این جنس انتخابات زودهنگام پس از انقلاب نمونه‌ای وجود ندارد و بنابراین فکر می‌کنم باید با احتیاط تحلیل کنیم.

**محمد عطریانفر:** اگر مسئولان ارشد نظام این رفتاری که در گذشته به‌عنوان تهدید به حساب می‌آوردند را به‌عنوان فرصت‌نگاه کنند و اجازه دهند سلیقه‌های مختلف سیاسی، با هم رقابت کنند؛ این می‌تواند تمام اشکالات گذشته را که برخی دنبال انتخابات حداقلی بودند، برطرف کند و ما را از این نقطه خط‌ناک خارج کند. احساس عمومی من این است که اگر تجربه تلخ گذشته در مشارکت پایین به‌خصوص در انتخابات ۱۴۰۰ را مبنای قرار دهیم و این موضوع را نگران‌کننده بدانیم و از سمت دیگر نظام سیاسی هم بپذیرد که آن رویکردها درست نبوده و قصد داشته باشد مسیر را اصلاح کند، می‌توان امیدوار بود که این انتخابات منشأ و آغاز یک تغییر و تحول باشد و اجازه داد که مردم با حضور حداکثری سرنوشت خود را رقم زنند؛ ولی اگر غیر از این باشد، مشکل ایجاد خواهد شد.

**حسن رسولی:** ما تازه در مرحله اول این انتخابات زودهنگام را پشت سر گذاشته‌ایم که در واقع مرحله شکلی است و یک نمای کلی از

